

سرشناسه	رادمنده، محمد مهدی، ۱۳۴۳-
عنوان و نام پدیدآور	فقیه و وظیفه: متد شناسی استاد آیت‌اله سید مرتضی
خاتمی خوانساری (یکصد راز تبلیغ موفق) / محمد مهدی رادمنده	
مشخصات نشر	قم: طلیعه سبز، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	۱۰۴ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۰۵۵-۳۶-۷
وضعیت فهرست نویسی	فیفا
موضوع	خاتمی خوانساری، سید مرتضی، ۱۳۲۲-
موضوع	مجتهدان و علما - ایران - سرگذشتنامه
موضوع	واعظان - اخلاق حرفه‌ای
وضع	اسلام - تبلیغات
رده بندی کتبی	BP ۲۶۱/۶ خ ۲۲ ۱۳۹۱
رده بندی دیوبند	۲۹۷/۷۵۴۹۲۴
شماره کتابشناسی ملی	۲۷۳۶۳۴۲

فقیه و وظیفه

نویسنده: دکتر محمد مهدی رادمنده

ناشر: طلیعه سبز ۶۵۳۶ ۷۵۰ ۰۹۱۲

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۲

شمارگان: ۲۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۵۵-۳۶-۷

بهاء: ۳۵۰۰ تومان

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

فقيه وظيفه

www.ketab.ir

دکتر محمد مهدی رادمند

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۱۷	معرفی نامه
۱۹	متدشناسی
۲۰	۱- همگام با جامعه بودن
۲۰	۲- بشاش بودن
۲۱	۳- استفاده از طنز و ملاحظ
۲۲	۴- مثالها و نمونه‌های کاربردی
۲۲	۵- مستند گوئی
۲۳	۶- حضور ذهن کارشناسی
۲۴	۷- بی تعصب بودن
۲۵	۸- حلای مسئله
۲۷	۹- علل الشرایع

- ۱۰- تکیه بر تاریخ ۲۸
- ۱۱- مرزشناسی ۲۹
- ۱۲- مخاطب‌شناسی ۳۰
- ۱۳- هم‌زبانی با مخاطب ۳۱
- ۱۴- تکریم مخاطب ۳۲
- ۱۵- استفاده از همه امکانات ۳۳
- ۱۶- تنوع طلبی ۳۴
- ۱۷- جواب‌گرایی ۳۴
- ۱۸- جلسات مبارکی ۳۵
- ۱۹- احترام به بعضی ۳۶
- ۲۰- فضا سازی تاریخی ۳۷
- ۲۱- پاسخ از ریشه، جواب با میوه ۳۸
- ۲۲- استفاده از استعاره ۳۹
- ۲۳- معجزه نمونه‌ها ۴۰
- ۲۴- تکیه بر واجبات، بهره از مستحبات ۴۱
- ۲۵- باطن‌گرایی ۴۱
- ۲۶- عدم مبارزه با پول و زیبایی ۴۲
- ۲۷- رفاقت با خدا ۴۳
- ۲۸- رازداری ۴۴
- ۲۹- شنیدن مشروح و پاسخ خلاصه ۴۶
- ۳۰- هم نشینی با مخاطب ۴۶
- ۳۱- گفتن از خود ۴۷

۴۸	۳۲- بکارگیری زبان بدن
۴۹	۳۳- احکام کاربردی
۵۰	۳۴- تفاوت خالق و مخلوق
۵۱	۳۵- تکیه بر مشاهیر
۵۲	۳۶- حفظ حریم خانواده
۵۳	۳۷- حضور خانوادگی
۵۳	۳۸- هنر دوستی
۵۴	۳۹- عالم عام و بدن
۵۴	۴۰- متانت و صبوری داشتن
۵۵	۴۱- وقت گذاشتن
۵۶	۴۲- وقت شناسی
۵۶	۴۳- دیدن و دیده شدن
۵۷	۴۴- تکریم استاد و شاگرد
۵۸	۴۵- قدرشناسی
۵۹	۴۶- تذکر ایام الله
۶۰	۴۷- واقع بینی
۶۱	۴۸- آسان گیری احکام
۶۲	۴۹- تکیه بر... ترین ها
۶۲	۵۰- مراعات عرف
۶۳	۵۱- زندگی بدون پیرایه
۶۴	۵۲- سیمرخ سازی از سی مرغها
۶۶	۵۳- فقط یک راه

- ۵۴- تأکید بر اراده تغییر ۶۶
- ۵۵- هم دلی با مخاطب ۶۸
- ۵۶- ریشه یابی ۶۸
- ۵۷- مثالهای کاربردی ۷۰
- ۵۸- پروسه و پالس ۷۱
- ۵۹- تحمل مخالفان ۷۲
- ۶۰- قرآن فهدی!! (رفع شبهه) ۷۳
- ۶۱- تفکیک احکام و اخلاق ۷۴
- ۶۲- بی ریا و خردمندی ۷۵
- ۶۳- مرید نه پرووری ۷۶
- ۶۴- نگهداشتن به تار موی ۷۷
- ۶۵- خاطره گونی ۷۷
- ۶۶- تبدیل روایت به داستان ۷۸
- ۶۷- اندیشه جهانی داشتن ۷۹
- ۶۸- مخاطب سازی ۸۰
- ۶۹- بازپروری مخاطب ۸۰
- ۷۰- تکرارپذیری ۸۱
- ۷۱- نظم پذیری ۸۲
- ۷۲- تشویق در جمع و توبیخ در نهان ۸۳
- ۷۳- احترام به احساسات ۸۴
- ۷۴- زنده کردن مردگان!! ۸۵
- ۷۵- استفاده از وجدان ۸۶

۷۶-	اجتناب از فرقه گرانی	۸۶
۷۷-	پول زدائی از جلسات!!	۸۷
۷۸-	جدائی دین از جریانات سیاسی	۸۷
۷۹-	عزت نفس	۸۸
۸۰-	اجتناب از توجیه	۸۹
۸۱-	احترام به قانون	۹۰
۸۲-	اعتراف به ندانستن	۹۰
۸۳-	گم نکردن هدف	۹۱
۸۴-	مثبت اندیشی	۹۲
۸۵-	اعتماد به نفس	۹۳
۸۶-	اعتماد به نفس دادن	۹۳
۸۷-	اعتماد کردن	۹۴
۸۸-	رعایت ادب	۹۴
۸۹-	از سکوت تا بت شکنی	۹۵
۹۰-	زندگی کردن	۹۶
۹۱-	مفید بودن	۹۷
۹۲-	استدلالی بودن	۹۸
۹۳-	منطق پذیری	۹۹

مقدمه

همزمان با سالهای دهه‌های ۵۰ و ۶۰ خورشیدی که انقلاب اسلامی در ایران در حال بزج و شکل‌گیری قرار داشت و در پی آن شیوه‌های جدید و البته ضروری تبلیغ حرفه‌ای‌تر دین در حال پدید آمدن بود فقیه عالیقدر آیت الله سید مرتضی خاتمی بر آن نیل به رسالت دینی و آسمانی خویش، شیوه‌ای نوین در تبلیغ دین را انتخاب نمود.

در دهه ۵۰ بنا به ضروریات جامعه و خیزش‌های وجود و انتظارات پدید آمده در اجتماع که ریشه در باورها و اعتقادات دینی مردم داشت چهار گروه دینی بصورت اساسی شکل گرفتند که در این نوشتار به تبیین و البته برای تکریم و بزرگداشت استاد سید مرتضی خاتمی خوانساری تنها ویژگی‌های یکی از گروه‌ها به تفصیل مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

گروه اول دین‌مداران با ساختار سستی بودند. روحانیت به معنی تعلیم در حوزه (حتی بدون طی مدارس ابتدایی دولتی) و سپس پوشیدن لباسی خاص و آموختن کتابهای خاص حوزه را تنها یا بهترین راه حفظ دین می‌دانستند که البته روحانیت موجود با ساختار شناخته شده آن در این

گروه جای می گیرند.

گروه دوم دین باورانی که تغییرات بنیادی در آموخته‌ها و برداشت‌ها از دین را سرلوحه کارهای خود قرار داده و با ایجاد فرهنگ اختلاط و التقات بین موج فراگیر کمونیزم در آن سال‌ها و اسلام سنتی به باورهای منحرفی رسیده بودند که حاصل آن سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و شیوه‌های آموزشی و تکنیک‌های آنها بود.

گروه سوم دین باوران معتقد به تأثیر متقابل دین پژوهی و دین پذیری مردم در هر دوره و زمانه بودند که با اعتقاد به مبانی حقه تشیع و سعادت بخشی دستورات مذهب جعفری در صدد درک شرایط موجود و شناخت نیازهای مخاطبان و نیز آسیب‌شناسی تبلیغ دینی بودند که با حفظ ساختار آموزشی حوزة تبلیغ دین به ابزارهای جدید و هنجارشکنی‌های قدیم هم رسیده و شیوه‌های خاص را ابداع نمودند که افرادی چون استاد محمد نقی شریفی، علامه شهید مرتضی مطهری و... از این گروه قلمداد می‌شوند و به نظر اینجانب استاد آیت الله سید مرتضی خاتمی خوانساری نیز در این مجموعه جای می‌گیرند.

دسته چهارم افرادی بودند که نیمی از راه را به شیوه گروه اول و نیم دیگر را به شیوه گروه سوم به طریقت پرداختند و البته دارای موافقان و مخالفانی بودند که در این نوشتار مورد مطالعه ما نیست.^۱

۱. اساتید بزرگی مثل دکتر سید جعفر شهیدی، استاد محمد رضا حکیمی و... مدتها دارای لباس روحانیت بوده‌اند اما بعدها صلاح را در ادامه فعالیت‌های دینی در خارج از این لباس دانسته‌اند...

هدف از نگارش این کتاب به نوعی شناخت مزیت‌های گروه سوم با تکیه بر رفتارهای خاص فقیه اهل البیت آیت الله سید مرتضی خاتمی خوانساری می‌باشد که با صرف عمری پربرکت و با کسب طریقتی موفق در تبلیغ دین مبین اسلام توانسته‌اند وظایف خود را به نحوی شایسته و بایسته به انجام رسانند.

نام گذاری

برای انتخاب نام این مجموعه به سراغ اسامی خاصی رفتم که بتواند ظرف و ظرفیت کتاب را به خوبی به مخاطب اعلام نماید و البته نام نیکو و مناسب می‌تواند هر اثری را بهتر به ماندگاری نزدیک کند.

شاگردی چندین ساله در محضر استاد اسامی گوناگونی را به ذهن القاء می‌نمود مثل «استاد مرزها» با هدف اینکه ایشان تبحر خاص در شناسائی مرز بین حق و باطل یا قبولی و ردی اعمال داشته و بالحق استادی مبرز در تعریف حدود و مرزها هستند. پس عنوان «خورشید بدون قاب» با این هدف که ایشان به گفته بسیاری از متفکرین داخلی و خارجی تنها فقیهی هستند که بدون تکیه یا استفاده از لباسی خاص توانسته‌اند انبوهی دین باور و دین طلب را در گرد خود فراهم آورده و به سیلاب نمودن جانهای تشنه آنها پرداخته‌اند همچون آفتابی که بدون قاب همیشه تاریخ زیبا و جذاب و البته مفید و کارآمد و در آسمان هستی ظهور کرده است.

عنوان دیگری که جذاب به نظر می‌رسید «تبلیغ بدون تبعیض» بوده

در این عنوان به دنبال این بودم که مبلغ مادامی که پوشش و رفتار و کردار با مخاطب را داشته باشد بیشترین توفیقات را در انتقال پیام از مبلغ به مخاطب را شاهد خواهد بود و استاد سید مرتضی خاتمی خوانساری با درک عمیق این ظرفیت توانسته‌اند به مزیت‌های ارزنده آن نائل آیند.

سرانجام چهارمین عنوان شایسته را «فقیه وظیفه» دانستم. این عنوان دارای سه پیام است. اول اینکه فقیه باید در هر زمان با درک شرایط و الزامات آن به انتخاب مناسبترین شیوه برای توفیقات خود بپردازد و ایشان با هدایت الهی توانسته‌اند این مهم را به نحو احسن شناسایی و انتخاب نمایند.

دومین استنباط از این عنوان اینکه ایشان در تبلیغ و شیوه رفتاری خود خیلی پای بند تکیه بر محبت و مکروهات نیستند. معرفی وظیفه هر کس در هر شرایط که البته از اهداف عالی دین مبین اسلام می‌باشد سرلوحه برنامه‌های آموزشی ایشان قرار دارد. در متن کتاب به نمونه‌های جالبی خواهیم پرداخت که ایشان لحظه‌ای از وظیفه و کاف نه ذره‌ای کمتر و نه ذره‌ای بیشتر عدول نمی‌کنند و این با نام «فقیه وظیفه» بسیار تناسب دارد.

سومین دلیل اینکه همانگونه که در مراکز آموزشی از سرلشگر تا سرباز وظیفه، هر کسی برای خود جایگاهی را اشغال کرده است ایشان نیز با خضوع و خشوع در میان سربازان نامدار و یا گمنام امام زمان (عج) به عنوان سرباز وظیفه بودن، دل خوش داشته‌اند و با اخلاص به وظیفه دینی خود که برای حضرت ایشان همان «فقیه وظیفه بودن»

می باشد پرداخته اند.

در پایان با آرزوی توفیقات روز افزون برای ایشان و انبوه جوانانی که امروزه و در شرایط دهه چهارم به بعد انقلاب اسلامی که نقاط قوت و ضعف هر یک از متدهای چهارگانه دهه پنجاه به بعد به خوبی شناسائی و به منصفه ظهور رسیده است بدنبال شناسائی یا انتخاب شیوه و متدی موفق و کارآمد برای تربیت جامعه ای دینی و اسلامی که دارای استعداد کافی برای ظهور مولا و آقای ما حضرت حجة ابن الحسن المهدی علیه السلام باشند میسر به تمامی علاقمندان به حضرت ایشان و نیز اهداف عالیه جامعه دینی می دارم که هدف از تألیف این کتاب علاوه بر تعظیم و تکریم نیم قرن خدمت صدقانه استاد سید مرتضی خاتمی خوانساری همانا نشان دادن ویژگی ها و ظرفیت های موفق و البته پر تأثیر این شیوه تبلیغ دین بوده و امید است بتواند در هدایت نسل جوان به ویژه طلاب حوزه های علمیه دارای تأثیرات کافی و به سر و اقامه گردد.

شهریور ۱۳۹۰ - تهران

محمد مهدی رادمند